

ملت
اراده
هفته نامه

ویژه نامه
برنامه، مصمم
توسعه



با آثاری از:
زهرا کرد
زهرا رحیمی
فائزه صدر
مهتاب قصابی
احمد حکیمی پور
افشین فرهانچی

یک گروتسک در ابعاد برنامه پنج ساله

ضمیمه نشریه ۶۶
ویژه نامه شماره ۲۰
۲۱ تیر سال ۱۴۰۲



فهرست:

- ۲.....دیباچه
- ۳.....نگاهی کلان به برنامه توسعه هفتم
- ۴.....برنامه هفتم توسعه؛ در ستایش فروگاهی
- ۶.....مروری بر تاریخچه برنامه ریزی در ایران
- ۹.....سند از توسعه سیاسی خالی است
- ۱۲.....ابرهائی که نمی بارند
- ۱۳.....توسعه فرهنگ کتاب خوانی مسئله ما نیست
- ۱۴.....چند نکته در مورد ارتقا نظام سلامت (موضوع فصل ۱۴ برنامه توسعه)



ویژه نامه شماره ۳
ضمیمه نشریه شماره ۶۶
۲۸ تیر ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: حزب اراده ملت ایران
مدیرمسئول: رحیم حمزه
سردبیر ویژه نامه: افشین فرهنگچی

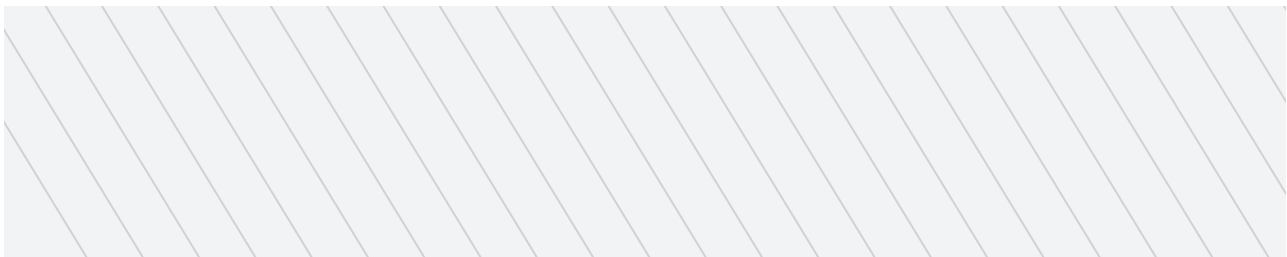
نشانی: خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان آزادی، بن بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن: ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵/۰۲۱۶۶۵۶۳۳۰۶

* در لغت هر چیز تحریف شده، زشت، غیرعادی، خیالی یا باور نکردنی را «عجیب پردازی / گروتسک» یا صَوْرَ عَجَائِب یا عجیب و غریب می گویند.

دیباچه

سومین ویژه نامه نشریه حزب اراده ملت را به موضوع نقد و بررسی برنامه هفتم توسعه کشور در دوران جمهوری اسلامی، اختصاص دادیم. گرچه می دانیم که چه قبل تدوین این برنامه و چه در حین تدوین آن بسیاری از صاحب نظران پیشنهادات و نظرات خود را ارائه داده اند و کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اما ما بر اساس رسالت حزبی خویش، دیگر بار تلاش کردیم دیدگاه های خود را در این زمینه منتشر کنیم تا اگر چه توجه دولت و مجلس را بر نمی انگیزد اما جامعه را نسبت به بخشی از ابعاد این برنامه آشنا کند. اینک جامعه چه راهبردی را در پیش خواهد گرفت، آینده معلوم خواهد کرد.



نگاهی کلان به برنامه توسعه هفتم

نهایتاً بخش کوچکی از برنامه نیز به ارتقا وضعیت سیستم‌های مختلف اداری، سیاست خارجی، وضعیت فضایی و... می‌پردازد. نکته بسیار مهم این است که هیچ بخشی از برنامه به توسعه سیاسی و ارتقا مشارکت اجتماعی مردم در سیاست و باز تقسیم قدرت در بین مردم اختصاص نیافته است و این بزرگ‌ترین چالش و بحران کشور در دید برنامه ریزان به‌طور کلی وجود ندارد و لذا برای رفع آن نیز تدبیری اندیشیده نشده است.

در کل برنامه توسعه هفتم حتی یکبار نیز به احزاب که زیرساخت توسعه سیاسی است، اشاره‌ای نشده است و ظاهراً برنامه ریزان را این گمان بوده است که ما توسعه یافته‌ترین کشور دنیا از نظر سیاسی هستیم و میزان مشارکت سیاسی ما در بهینه‌ترین حالت ممکن قرار دارد.

وقتی در جزئیات برنامه ورود می‌کنیم به راحتی متوجه می‌شویم که در همان مشکلات و مسائلی نیز توسط متولیان احصا شده است نیز راهکار مشخص و مفید فایده‌ای مشاهده نمی‌شود. حل بسیاری از مشکلات به تدوین آیین‌نامه‌های بعدی سپرده شده است و بسیاری از راهکارها نه تنها دردی را دوا نمی‌کنند بلکه در آینده مشکل‌ساز نیز هستند. معدود راهکارهای منطقی نیز مشخص نیست تا چه حد عملیاتی گردند و در مراحل تصویب به تدریج کنار گذاشته نشود.

طبق گفته متولیان برنامه هفتم، این بار قرار نبوده است برنامه جامعیت کامل و تامی داشته باشد بلکه بر مسائل و مشکلات متمرکز شده است و سعی نموده برای آنها راهکار و برنامه ارائه شود. این موضوع فی‌الذاته پیشرفتی در امر برنامه نویسی در ایران محسوب می‌شود و نشان‌گر اصلاح دیدگاه برنامه نویسان سازمان‌های دولتی است، ایشان بالاخره بعد از سال‌ها دریافته‌اند که نوشتن برنامه‌ای جامع و کامل و اجرا آن در ایران-با این زیرساخت‌های معیوب [ممکن نیست و به مسئله محوری روی آورده‌اند. اما در این میان مشکل جدیدی بروز کرده است. مسائل محوری و اساسی کشور ما چه هستند؟ و چه کسی این اولویت بندی را مشخص می‌کند؟

اکنون ما می‌توانیم به نگاه به سرفصل‌های برنامه متوجه شویم که از دیدگاه دولت مستقر چه مسائلی در اولویت است و چه راه حل‌هایی برای این مشکلات پیشنهاد شده است.

برنامه شامل مقدمه‌ای کوتاه و ۲۴ فصل است. بیش از یک سوم برنامه به درستی به مسائل اقتصادی پرداخته است. چرا که رشد پایین اقتصاد، وضعیت نامطلوب اشتغال و مسکن، تورم بالا و کمبود بهره‌وری از مهمترین مسائل چند دهه اخیر ایران بوده است. بخش وسیع دیگری از برنامه نیز به مسائل مرتبط با تأمین اجتماعی و سلامت و آموزش متمرکز شده است که در ادوار اخیر بسیار چالش‌زا بوده‌اند و حضور آنها در برنامه بسیار لازم و ضروری بوده است.



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه
برنامه هفتم توسعه

ویژه نامه شماره ۳

ضمیمه نشریه ۶۶

۲۸ تیر ماه سال ۱۴۰۲



برنامه هفتم توسعه؛ در ستایش فروگاهی



زهره رحیمی

RAHIMI_ZOZO2003@yahoo.com



بنماید. میزان دستیابی به برنامه‌های پیشین توسعه را مروری کند و موانع و نقاط ضعف در مسیر توسعه را تشریح کند. و همزمان به یادآوری نقاط قوت و کامیابی‌ها نیز نگاهی بیندازد. تصویر هر چه دقیق‌تری از آینده ترسیم کند و از چشم‌انداز بلندمدت در حوزه رفاهی، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور و شهروندان برخوردار باشد.

در ارزیابی یک برنامه توسعه می‌توان به این وجوه توجه داشت که؛ برنامه چقدر درونزاد است و با تکیه بر تجارب و امکانات و اقتضات درونی کشور و جامعه تدوین شده؟ چقدر همه‌جانبه است و آیا همان قدر که به توسعه اقتصادی بارفاهی توجه می‌کند، توسعه فرهنگی و اجتماعی رانیز صورت‌بندی کرده است؟ برنامه مذکور چقدر پایدار است؛ نه صرفاً برای نسل کنونی که حقوق و نیازهای نسل‌های آتی رانیز در بر گرفته است و امکان ادامه و استمرار آن برای دهه‌های متوالی بدون پیامدهای مخرب و نابودگر آیا وجود دارد؟ برنامه

به‌عنوان یک فعال مدنی و حزبی که طی دوران کنشگری، خواسته و ناخواسته، بارها مطالعه و بررسی اسناد و برنامه‌های توسعه در سطوح مختلف را در دستور کارم داشته‌ام، علی‌رغم بضاعت بسیار خفیف و ناچیزی که در این مسیر اندوختم. اما با مشاهده برنامه هفتم توسعه، حسرت و تاثیری ناگفتنی به‌سرعت، تمام وجودم را سوزاند، به‌طوری‌که تردیدی جدی داشتم؛ آیا این متن، شأنیت لازم را برای نقد و اظهار نظر دارد یا کاهیده‌تر از آئی‌ست که از بابش دست به قلم شد. در حالی که باور دارم این متن تهیه‌شده، با عنوان «برنامه هفتم توسعه»، جز ثنایی در فرو کاستن معنا نیست، نه در محور نقد آن، که در باب ضرورت‌های ارزیابی یک سند توسعه، نکاتی چند را خدمت خوانندگان فرهیخته تقریر می‌کنم.

یک برنامه توسعه می‌تواند شامل نگاهی به وضعیت و شرایط کنونی جامعه و کشور بیندازد. موقعیت خودش را نسبت به برنامه‌های توسعه پیشین روشن



دو هفته نامه غیر برخط اراده ملت

ویژه نامه
برنامه هفتم توسعه

ویژه نامه شماره ۳

ضمیمه نشریه ۶۶

۲۸ تیر ماه سال ۱۴۰۲

واقع گرایانه و مطلوب طراحی شده است؟ در خصوص اشتراک گذاری داده‌ها، و میزان دسترسی عموم به روند اجرا و عملیاتی سازی چه تدبیری شده؟ ارتباط بین اهداف توسعه در سطوح مختلف روشن است و آیا طرح این ظرفیت را دارد که منجر به اتحادهای بین بخشی شده و اگر شده، در چه محورهایی؟ آیا تمهید برای ادراکات، نگرش‌ها و ذهنیات ذی نفعان و گردآوری نظرات و انتقادات و ابهامات ایشان نسبت به برنامه، اندیشیده شده است؟ برنامه به گونه‌ای هست که استفاده بهینه از منابع (وجوه، مواد، تخصص، نیروی کار، زمان، تجهیزات و غیره) را اندازه گیری کند و کارایی خروجی‌ها را به صورت کیفی و کمی در رابطه با ورودی‌ها بسنجد؟ آیا برنامه اثر بخش است و میزان دستیابی به اهداف برنامه یا انتظار برای دستیابی به آن قابل سنجش است؟ در یک نظام توسعه گرا و دغدغه مند، ضرورتاً برنامه نویسان و تدوین کنندگان برنامه‌های توسعه، کدام در حال تمرین و ارتقای توان برنامه نویسی خویش هستند. همواره سخت کار می کنند تا بهترین نسخه زمان خویش را ارائه کنند. برنامه نویسان حرفه‌ای توسعه از شکست‌ها و اشتباهات برنامه‌های گذشته درس می گیرند و چند برابر زمان تدوین را صرف اصلاح و بازنگری‌های فرایندی کنند. این نویسندگان می باید که از درک دقیقی در مورد نقطه‌ای که در آن قرار گرفته ایم و فاصله‌اش با نقطه هدف برخوردار باشند. تصور آگاهی و همه چیزدانی، طراحان برنامه توسعه را به مسیر غلط می اندازد. آنها باید به طور مداوم در حال مطالعه و پژوهش و قیاس در سطح جهانی و منطقه‌ای و هم محلی باشند.

من از مفصل این نکته مجملی گفتم
تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

باتوجه به مناسبات و ویژگی های منطقه ای کشور تدوین شده است یا صرفاً دستوری فرادستی و مرکز گراست که برای سراسر کشور بی توجه به موقعیت و خصوصیات دیگر نقاط طرح گردیده است؟ سند، چقدر از رویکرد متوازن بهره برده است؟ یعنی همان قدر که دغدغه توسعه تهران و شیراز و اصفهان را دارد؟ دلواپس شهروندان زایل و کنارک و پاره هم هست و این نگاه تساوی جویانه، آیا موقعیتی فزاینده برای توسعه مناطق محروم و فقیر ایران را به طور مضاعفی تأمین می کند؟ سنجش کنیم که آیا مخاطب می تواند پیش بینی کلان مؤلفان طرح و سیاست گذاران را از وضعیت کشور و جامعه در یابد؟ از نکات بسیار حائز اهمیت دیگر در ارزیابی سند توسعه اینکه باید تأکید نمود؛ آیا روشن است که سند با مشورت و همفکری کدام نهادها و گروه‌های محلی و مردمی و ملی و کدام ذینفعان کشوری نگارش شده است؟ دیگر اینکه آیا شفافیت و صداقت طرح قابل ارزیابی است و امکان تفاسیر متعارض و متفاوت را مسدود کرده است؟ اهداف و هزینه‌ها آن قدر روشن و دقیق هستند که امکان سنجش را برای مخاطب متخصص و مطلع فراهم آورد؟ به مخاطب می قبولاند که هر هدف، سنججه یا گزینه ترجیحی، چرا مورد تأکید قرار گرفته و یا از متن برنامه حذف و سانسور شده است؟ وضعیت و استنباط از ضمانت اجرایی، چه حال و روزی در برنامه دارد؟ محتوای آن با برنامه‌ها، سیاست‌ها و رهنمودهای دیگر بالادستی انطباق و همگرایی لازم را دارد و نسبت آن با طرح‌های توسعه محلی به گونه‌ای برقرار می شود که سایه انسجام و پیوستگی را تداعی کند؟ آیا در این برنامه‌ها، فضای بی طرفانه و مستقل با محوریت منافع ملی و مصلحت کشور تعهد شده است؟ اگر نه، سود و نفع چه گروه‌ها و طبقاتی را به تصویر می کشد؟ وضعیت نظارت در برنامه به چه نحوی مورد پرداخت قرار گرفته است؟ جدول زمانی عملیاتی و



mona lisa



دو هفته نامه غیر برخط اراده ملت

ویژه نامه
برنامه هفتم توسعه

ویژه نامه شماره ۳

ضمیمه نشریه ۶۶

۲۸ تیر ماه سال ۱۴۰۲

مروری بر تاریخچه برنامه ریزی در ایران



زهرا کرد

kordzari1@gmail.com



دو هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

ویژه نامه
برنامه هفتم توسعه

ویژه نامه شماره ۳

ضمیمه نشریه ۶۶

۲۸ تیر ماه سال ۱۴۰۲

را محدود کرد. بعد از او وضع مالی ایران بار دیگر آشفته شد و دامنه عدم تعادلها گسترده شد؛ در دوره میرزا آغاسی براتهای بی اعتبار و کم اعتبار در وجه حکام ایالتها صادر می شد و موجب سپاه به درستی نمی رسید؛ در این وضعیت پریشان امیر کبیر به اصلاح نظام مالیه پرداخت و جان بر سر این اصلاح گذاشت؛ بعد از امیر کبیر بار دیگر اصلاح نظام بودجه و مالیات کشور وارونه شد؛ نقش دولت در تشکیل سرمایه ناکارآمد شد و مخارجش غیر معقول گشت.

ناقوس پیروزی مشروطه که نواخته شد، فرصتی پیدا شد برای نوگرایان و تجددخواهان تا به سوی الگوهای معمول در غرب توجه کنند؛ اقتباس ساختار جدید حکومت و تاسیس نهادهای متعدد از طریق شبیه سازی؛ در کنار این رهیافت نو و در کنار تنظیم قانون اساسی مشروطه، قوانین دیگری

توجه به برنامه و برنامه نویسی در ایران تاریخی طولانی دارد و به تاریخ مشروطه گره خورده است؛ قبل از انقلاب مشروطه نظام مالی خاصی در کشور وجود نداشت و تهیه بودجه دولت به روال خاصی انجام نمی شد؛ بودجه به شکل دخل و خرج عمومی در حسابهای پراکنده به نام «کتابچه های جمع» تهیه می شد؛ هریک از ایالات و ولایات برای خود کتابچه جمع داشت و مسئول این دفاتر «مستوفی» بود که خود زیر نظر مستقیم «وزیر دفتر» کار می کرد و او دفترچه ایالات را به تصویب و توشیح شاه می رساند. در این دفترچه ها مالیات نقدی و جنسی املاک مزروعی، هزینه پرداخت افواج و مستمری ها و هزینه دخل و خرج ایالات مشخص می شد. تا اینکه در دوره ابوالقاسم میرزا وضع مالیه و دخل و خرج کشور نظم نسبی یافت؛ او برای شاه حقوق ثابت تعیین کرد و موجب دیوانیان و خیلی از مستمری ها

بر مسند قدرت نشست. دو سال بعد از این اتفاق یعنی در سال ۱۳۰۱ هیئت متخصصان مالی به ریاست میلسپو به ایران آمد؛ تمرکز و تنظیم مالیه دولت همراه با رشد درآمد نفتی و الغای بدهی به روسیه باعث آزاد شدن منابع برای طرح توسعه ایران شد. تدوین قانون تجارت، تصویب قانون معافیت گمرکی ماشین‌آلات و تجهیزات و تاسیس بانک مرکزی نشانه‌ای روشن از عزم دولت برای توسعه اقتصادی بود.

پیش از انقلاب ۵۷

در سال ۱۳۱۶ برای نخستین بار فکر تنظیم برنامه‌ای برای فعالیت‌های عمرانی کشور به وجود آمد. در ۱۱ فروردین ماه سال مزبور بنا به تصویب هیات وزیران، هیاتی به نام «شورای اقتصادی» برای تمرکز مطالعات اقتصادی در کشور تشکیل شد. ریاست این هیات با رییس الوزرا بود و اعضای آن را وزیر مالیه، رییسان کل فلاحات، صناعت و تجارت، رییس هیات نظارت بر شرکت‌ها، رییسان بانک ملی ایران، بانک فلاحات و بانک سپه و سه نفر از اشخاص صلاحیت‌دار با تصویب هیات وزیران، تشکیل می‌دادند. شورای مزبور در دهمین جلسه خود (اول تیر ماه ۱۳۱۶) گزارشی درباره تهیه برنامه عمومی اقتصادی کشور به رضا پهلوی داد و متعاقب آن کمیسیون دائمی زیر نظر این شورا برای تهیه برنامه امور اقتصادی کشور تشکیل شد. در دهه ۱۳۲۰ پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، با بهبود نسبی شرایط اقتصادی، موضوع برنامه‌ریزی منظم که در دهه ۱۳۱۰ برای نخستین بار مطرح شده بود، با تاکید بیشتری مطرح و در دو مسیر متمرکز شد؛ اول، تجدید سازمان تمام موسسه‌های انتفاعی دولتی به استثنای صنایع نفت، دخانیات و راه‌آهن که به بانک صنعتی و معدنی واگذار شد و دوم، تنظیم یک برنامه عمرانی ملی. پس از مطالعاتی که توسط هیات عالی برنامه به عمل آمد، توانایی مالی کشور برای اجرای نقشه وسیعی که اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را در بر

در حوزه مالی، تهیه و تنظیم بودجه دولت مورد توجه قرار گرفت. نخستین قانون محاسبات عمومی ایران با اقتباس از چند فقره قوانین مالیه عمومی فرانسه در سال ۱۲۸۸ تهیه و تصویب شد. در دوره اول مجلس قانون‌گذاری، مستمری‌ها حذف شد و اولین بودجه عمومی به سبک جدید در دوره دوم مجلس شورای ملی برای سال ۱۲۹۰ با عنوان «طرح بودجه کل» تهیه شد. صنایع‌الدوله وزیر دارایی که این بودجه را به مجلس برده بود قبل از پایان کار، ترور شد و وزیر بعدی به اسم او بودجه را به مجلس برد. برای اولین بار درآمدها و هزینه‌ها در بودجه یا در سند مالی مقایسه شده بود؛ اما در نهایت این سند از سد مجلس عبور نکرد. تا اینکه مورگان شوستر به همراه چهار معاون خود در سال ۱۲۹۰ خزانه‌دار کل ایران شد و یک ماه بعد از انتصاب از مجلس برای اصلاح امور مالیه، اختیار تام گرفت. بعد از مدتی اقدامات او برای اصلاح مالیه ایران با مخالفت خوانین، شاهزاده‌ها و دولت‌های روسیه و انگلیس مواجه شد. تا سال ۱۲۹۹ اداره بودجه وزارت مالیه غیرفعال ماند. در همان سال آرمیتاژ اسمیت به ایران آمد تا علت عقب‌ماندگی سه، چهار سال تنظیم حساب‌های دولت در وزارت مالیه را بیابد.

ناقوس پیروزی مشروطه که نواخته شد، فرصتی پیدا شد برای نوگرایان و تجددخواهان تا به سوی الگوهای معمول در غرب توجه کنند

بالاخره بحران دموکراسی در ایران به دوره کوتای ۱۲۹۹ رسید و رضاشاه



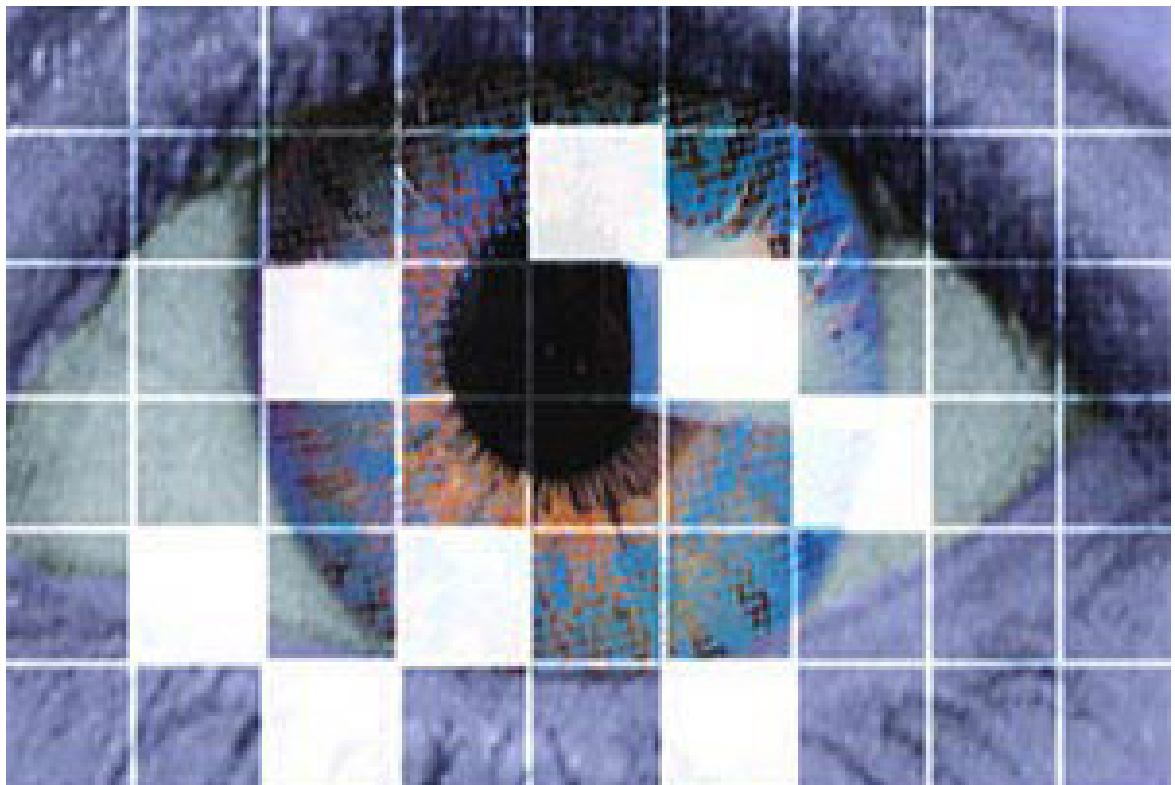
دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه
برنامه هفتم توسعه

ویژه نامه شماره ۳

ضمیمه نشریه ۶۶

۲۸ تیر ماه سال ۱۴۰۲





دو هفته نامه غیر برخط اراده ملت

ویژه نامه
برنامه هفتم توسعه

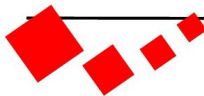
ویژه نامه شماره ۳
ضمیمه نشریه ۶۶
۲۸ تیر ماه سال ۱۴۰۲

داشته باشد، ناکافی تشخیص داده شد و دولت به فکر افتاد که بخشی از اعتبارات مورد نیاز برنامه را از طریق گرفتن وام از خارج تامین کند. از این رو، یک وام ۲۵۰ میلیون دلاری از بانک بین المللی ترمیم و توسعه درخواست شد. برای تامین شرایط بانک، تشریح و توجیه طرح های پیشنهادی ضروری بود. بنابراین، شرکت آمریکایی «موریسن - نودسن» به عنوان مشاور انتخاب و مشغول به کار شد. این شرکت پس از ۴ ماه بررسی، سه برنامه در مقیاس های مختلف به دولت ایران عرضه کرد.

در سال ۱۳۲۷ دولت برای تهیه مقدمات کار برنامه و هماهنگی امور مشاوره با هیات ها و موسسه های خارجی، اداره ای به نام «اداره دفتر کل برنامه» تاسیس کرد که وظیفه آن تهیه برنامه تفصیلی هفت ساله تعیین شد. این اداره بعدها به نام سازمان موقت برنامه نامیده شد. همچنین در اواخر همین سال برای انجام بسیاری از خدمات فنی، قراردادی با شرکت آمریکایی «مهندسی مشاور ماورای بحار» منعقد شد. هیات ۵ نفره شرکت مزبور پس از مطالعه اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سفر به نقاط مختلف ایران و بازدید از فعالیت های اقتصادی، در ۲۲ دی ماه سال ۱۳۲۷ گزارش خود را در مورد برنامه هفت ساله به دولت ایران ارائه کرد.



پس از مطالعاتی که توسط هیات عالی برنامه به عمل آمد، توانایی مالی کشور برای اجرای نقشه وسیعی که اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را در بر داشته باشد، ناکافی تشخیص داده شد



اساسنامه سازمان برنامه، شامل وظایف شورای عالی، هیات نظارت و مدیرعامل و سایر مقررات در ۲۵ آذر ۱۳۳۱ در ۸ ماده به تصویب مجلس رسید.

دستاورد عینی برنامه اول، از تاسیس ۶ کارخانه جدید، احداث مقداری جاده و راه آهن و اجرای معدودی طرح های غیر عمده و مکانیزه کردن محدود مزارع در بخش کشاورزی فراتر نرفت.

قانون برنامه هفت ساله دوم عمرانی کشور در هشتم اسفند ۱۳۳۴ به تصویب مجلس رسید. این قانون مشتمل بر ۲۱ ماده و ۱۰ تبصره بود. برنامه دوم همانند برنامه اول شکلی غیر جامع داشت و تنها شامل بخش دولتی می شد. برنامه مذکور به بیان ساده مجموعه ای از طرح ها و پروژه ها بود که انتخاب آنها بر مبنای معیارهای متعارف علمی مانند تحلیل های هزینه-فایده صورت نمی گرفت.

مهم ترین تحولی که در نظام برنامه ریزی در برنامه دوم ایجاد شد، مشخص تر و گسترده تر شدن وظایف هیات نظارت بود.

برنامه سوم عمرانی کشور مشتمل بر ۸ فصل، ۳۷ ماده، ۷ تبصره و حدود ۱۰۰ حکم در شهریور ماه ۱۳۴۱ به تصویب دولت رسید.

برنامه سوم که در آغاز برای پنج سال طراحی شده بود، در عمل به ۵/۵ سال از اواسط سال ۱۳۴۱ تا آخر سال ۱۳۴۶ تمدید شد. این برنامه در واقع نخستین برنامه جامع توسعه کشور به شمار می رود.

نظام برنامه ریزی در برنامه سوم عمرانی تحولاتی اساسی یافت که مهم ترین آنها به شرح زیر بود:

• دستگاه های اجرایی و وزارتخانه ها به طور مستقیم وارد فرآیند

برنامه ریزی شدند. در مرحله اول، چارچوب کلی برنامه شامل هدف های کلان و تخصیص بخش اعتبارات توسط معاونت اقتصادی سازمان برنامه تعیین شد و در مرحله بعد برنامه های اجرایی بخش ها در کمیته های بخشی تهیه شدند. کمیته های مزبور متشکل از نمایندگان از معاونت اقتصادی سازمان برنامه و دستگاه های اجرایی ذی ربط بود.

• سازمان برنامه از حالت اجرایی خارج و اجرای طرح های عمرانی به دستگاه ها و وزارتخانه ها محول شد.

• هیات نظارت و شورای عالی حذف شدند و جای آنها را هیات عالی برنامه و هیات حسابرسی گرفت.

• ایجاد معاونت طرح ها و برنامه در سازمان برنامه که مهم ترین وظیفه آن تهیه گزارش اقتصادی و ارزیابی طرح های در دست اجرا و سنجش اقتصادی آنها بود.

قانون برنامه عمرانی پنج ساله چهارم (۱۳۴۷-۱۳۵۱) در ۲۷ اسفند سال ۱۳۴۶ در ۸ فصل، ۳۸ ماده، ۱۰ تبصره و در مجموع ۸۶ حکم به تصویب مجلس رسید.

اهم اهداف این برنامه عبارت بود از:

- تسریع در روند رشد اقتصادی و ازدیاد درآمد ملی از طریق افزایش قدرت تولید با اتکای بیشتر به توسعه صنعتی.

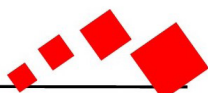
- توزیع عادلانه تر درآمد از طریق تامین شغلی و گسترش خدمات اجتماعی و رفاهی.

- کاهش وابستگی به خارج در زمینه رفع نیازهای اساسی از راه تسریع در رشد بخش کشاورزی.

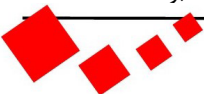
- تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی و گسترش بازارهای موجود.

- بهبود خدمات اداری از طریق ایجاد تحول در نظام اداری.

توجه دولت در دوره برنامه چهارم، بیشتر معطوف به سرمایه گذاری در صنایع سرمایه بر مانند ذوب آهن، ذوب آلومینیوم و ماشین سازی بود. مجتمع ذوب آهن و صنایع پتروشیمی که مقدمات آن در دوره برنامه سوم فراهم شده بود.



مهم ترین تحولی که در نظام برنامه ریزی در برنامه دوم ایجاد شد، مشخص تر و گسترده تر شدن وظایف هیات نظارت بود.



مهم ترین تحولی که در نظام برنامه چهارم ایجاد شد، تصویب قانون برنامه و بودجه در اسفند ماه سال ۱۳۵۱ بود که مبنای اصلی تهیه برنامه های پنج ساله و بودجه های سالانه دوره های بعد شد.

قانون برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶) در تاریخ ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۱ در ۹ ماده و ۲ تبصره به تصویب مجلس رسید. در ماده یک این قانون به دولت اجازه داده شده بود که طی دوره برنامه ۱۵۶۰ میلیارد ریال صرف امور عمرانی کشور کند. برنامه پنجم در نخستین سال اجرای خود با تحولات بی سابقه بازار جهانی نفت مواجه شد. با توجه به تحولات اخیر، سازمان برنامه و بودجه اقدام به تهیه گزارشی با عنوان «دورنمای بیست ساله آینده ایران» کرد که بر اساس آن، برنامه پنجم مورد تجدیدنظر قرار گرفت. مهم ترین وجه این تجدیدنظر انجام پیش بینی ها، بدون در نظر گرفتن محدودیت ارزی بود

دگرگون شد، ارکان نظام تغییر یافت و مواد مختلف پادشده در آن، نظم و نسق مشخصی برای فعالیت‌های بودجه‌ریزی کشور فراهم آورد. مهم‌ترین محورهای تحول نظام برنامه‌ریزی به شرح زیر بود:

- محور قرارگرفتن شورای اقتصاد در هدایت و هماهنگی امور اقتصادی کشور.

- مشخص شدن وظایف سازمان برنامه و بودجه و تبیین نقش آن در فرآیند برنامه‌ریزی.

- تشکیل کمیته‌های مشترک برنامه‌ریزی به منظور تسهیل تبادل نظر در تهیه برنامه‌های عمرانی و ایجاد هماهنگی در عملیات دستگاه‌های اجرایی و همچنین ایجاد هماهنگی بین موسسه‌های عمومی و بخش خصوصی و تطبیق برنامه‌ها با احتیاجات مناطق مختلف کشور.

- اهمیت یافتن امور مربوط به نظارت و ارزشیابی در فرآیند از ابتدای سال چهارم برنامه پنجم عمرانی (سال ۱۳۵۵) فعالیت‌های گسترده‌ای برای تهیه برنامه ششم عمرانی آغاز شد. یکی از تحولات مهم نظام برنامه‌ریزی در برنامه ششم عمرانی، استفاده تلفیقی از الگوهای اقتصادسنجی و الگوهای چندبخشی برای پیش‌بینی متغیرهای کلان اقتصادی طی برنامه بود.

به‌رغم بیش از ۲۵ سال سابقه برنامه‌ریزی در ایران و تنظیم و اجرای چهار برنامه عمرانی، نظام برنامه‌ریزی تا قبل از سال ۱۳۵۲ تابع یک قانون عام دائمی نبود و برنامه‌های اول تا چهارم (۱۳۲۷-۱۳۵۱) بر اساس قوانین مقطعی و خاصی که برای هر یک از این برنامه‌ها به تصویب می‌رسید، اعتبار قانونی و اجرایی پیدا می‌کردند

و مبنای آن طبق مقدمه برنامه تجدیدنظر شده به شرح زیر بود:

- برنامه‌ریزی بر مبنای عرضه منابع طبیعی و ظرفیت‌های زیربنایی محدودکننده و سایر عوامل محدود تولید از جمله نیروی انسانی ماهر.

- برنامه‌ریزی باتوجه به اهمیت استفاده صحیح از آن بخش از درآمد ارزی کشور که جذب آن در کوتاه مدت میسر نیست.

برنامه‌ریزی باتوجه به اهمیت استفاده صحیح از آن بخش از درآمد ارزی کشور که جذب آن در کوتاه مدت میسر نیست.

- برنامه‌ریزی بدون محدودیت ارزی و تاکید خاص به تامین نیازهای داخلی از خارج و افزایش ظرفیت‌ها و سازمان‌ها و نهادهای لازم برای تامین آن.

افزایش قابل ملاحظه درآمد نفت اگر چه موجبات رشد تولید و سرمایه‌گذاری را در کشور فراهم آورد، اما در عمل باعث بروز عدم تعادل‌های اساسی در کشور شد که این عدم تعادل‌ها موجب اعمال سیاست‌های مختلف شد و در نتیجه ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور را به کلی دگرگون ساخت. نظام برنامه‌ریزی در برنامه پنجم بر اساس قانون برنامه و بودجه به‌طور کلی



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه
برنامه هفتم توسعه

ویژه نامه شماره ۳

ضمیمه نشریه ۶۶

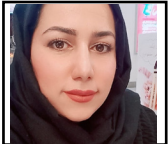
۲۸ تیر ماه سال ۱۴۰۲

برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران (بعد از وقوع انقلاب اسلامی)

ردیف	دوره برنامه	نام برنامه	عنوان برنامه	اهم اهداف کلان برنامه
۱	۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲	برنامه پنج‌ساله اول	برنامه سازندگی	ایجاد رشد اقتصادی، تاکید بر خودکفایی محصولات استراتژیک کشاورزی، مهار تورم، کاهش نرخ رشد جمعیت و افزایش نرخ باسوادی، بازسازی و نوسازی بنیه دفاعی و...
۲	۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸	برنامه پنج‌ساله دوم	برنامه ثبات اقتصادی	تحقق عدالت اجتماعی و حاکمیت قانون، رشد و توسعه پایدار با محوریت بخش کشاورزی، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و توسعه بیش از پیش صادرات غیرنفتی...
۳	۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳	برنامه پنج‌ساله سوم	برنامه اصلاح ساختاری	توسعه اقتصاد رقابتی، آغاز آزادسازی اقتصادی، کاهش تصدی‌گری دولت، فراهم‌سازی الزامات تحقق توسعه پایدار، رفع مشکلات ساختاری برنامه‌های اول و دوم و...
۴	۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸	برنامه پنج‌ساله چهارم	برنامه توسعه پایدار با رویکرد جهانی	در چارچوب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، رشد سریع اقتصادی، تعامل فعال با اقتصاد جهانی، رقابت‌پذیری اقتصادی، توسعه مبتنی بر دانایی، حفظ محیط‌زیست و امنیت ملی و...
۵	۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴	برنامه پنج‌ساله پنجم	اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴	رشد اقتصادی مستمر ۸ درصدی، کاهش نرخ بیکاری، حذف نفت از بودجه دولت، افزایش بودجه تحقیق و توسعه، ایجاد اشتغال پایدار و تامین درآمد مکفی برای آحاد جامعه و...
۶	۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰	برنامه پنج‌ساله ششم	پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی	محورهای سه‌گانه، اقتصاد مقاومتی، پیشسازی در علم و فناوری و تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی، موضوعات راهبردی در حیطه آب و محیط‌زیست، بهبود محیط کسب‌وکار و...

احمد حکیمی پور، دبیر کل حزب اراده ملت ایران:

سند از توسعه سیاسی خالی است



فائزه صدر

Facehsadr7@gmail.com



دو هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

ویژه نامه
برنامه هفتم توسعه

ویژه نامه شماره ۳

ضمیمه نشریه ۶۶

۲۸ تیر ماه سال ۱۴۰۲

متن برنامه هفتم توسعه منتشر شد. احزاب یکی از برجسته ترین غایبها در این لایحه هستند، تاجایی که وقتی از طریق جست و جوی هوشمند متن را بررسی می کنیم هیچ اثری از لغات "حزب" و "ان جی او" در این متن دیده نمی شود. اندک توجهی به گروه های مردمی و سیاسی و تفکرات منتقدی که می توانند در اجرای سیاست ها به کمک دولت بیایند، در این سطور دیده نمی شود. لایحه هفتم توسعه را از این منظر چگونه ارزیابی می کنید؟

نام لایحه برنامه هفتم توسعه، سند توسعه است که در ۷ بخش و

اراده ملت، فائزه صدر، برنامه هفتم توسعه برای بررسی و تصویب، از طرف دولت به مجلس سپرده شد. ورود کارشناسی و چکش کاری این سند به منظور همه جانبه بودن و رفع کاستی ها، به شجاعت و جسارت مجلسیان وابسته است. مجلس یازدهم تعیین کننده این مهم خواهد بود که متن این پروژه ملی چقدر جسورانه و تحول آفرین باشد یا سندی با حداقل تأثیر تدوین و تصویب شود. اراده ملت در رابطه با این موضوع گفت و گویی با احمد حکیمی پور، دبیر کل حزب اراده ملت ایران داشت که در ادامه می خوانید:

۲۲ فصل تدوین شده است. این سند بخش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... دارد. همین جامع بودن سند توسعه به ما اجازه می‌دهد این لایحه را در ابعاد مختلف مورد نقد و بررسی قرار بدهیم و انتظار داشته باشیم که هر آنچه کشور در مسیر توسعه به آن نیاز دارد در این سند دیده شده باشد.

ما به عنوان یک حزب سیاسی وظیفه داریم این سند را از هر منظری مورد نقد و بررسی قرار بدهیم. کارگروه‌ها و نیروهای متخصص احزاب وظیفه دارند روی این لایحه کار کنند و تا جایی که توانسته‌ایم پیش برویم. هم کارشناسی کنیم و هم نقد منصفانه‌ای داشته باشیم و جای تأسف دارد که یکی از اسناد مهم کشور احزاب را ندیده و توجهی به نقش احزاب نداشته‌است.

ما به عنوان یک حزب سیاسی وظیفه داریم این سند را از هر منظری مورد نقد و بررسی قرار بدهیم.

مهم‌ترین نکته از نظر یک تشکل سیاسی این است که توسعه زمانی در کشور میسر خواهد بود که هر آنچه برای توسعه تدوین و اجرا شده معطوف به نتیجه مثبت باشد. ایران به توسعه همه جانبه و متوازن نیاز دارد. حرکت سریع در یک بخش و راکد ماندن بقیه بخش‌ها توسعه متوازن نیست. توسعه متوازن تمام ابعاد اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... را در بر می‌گیرد.

احزاب هم بخشی از توسعه سیاسی کشور هستند. اگر می‌خواهیم مردم را فعال کنیم باید به تحزب در کشور شکلی سازمان یافته و رسمی بدهیم. مشارکت سیاسی می‌خواهیم که از ناحیه احزاب است. مشروعیت می‌خواهیم باز هم از ناحیه احزاب است. یکپارچگی ملی می‌خواهیم باز هم نقش احزاب غیر قابل کتمان است. امروز منازعات در جامعه وجود دارد که با دستور قابل حل نیست ولی احزاب می‌توانند با گسترش آگاهی سیاسی در جامعه و همچنین با ایجاد همبستگی ضریب امنیت ملی را بالا ببرند.

شاید گفته شود مشکل بزرگ کشور یعنی اقتصاد و معیشت مردم را مد نظر قرار داده‌ایم و توسعه اقتصادی در برنامه هفتم پر رنگ است ولی عقلای نظام باید بدانند که بدون توجه به توسعه سیاسی در حوزه توسعه اقتصادی هم موفق نخواهیم بود. کشور بدون توسعه سیاسی نه تنها در مسیر توسعه همه جانبه نیست، بلکه در مسیر ائتلاف منابع است. توجه به یک بعد از توسعه و بی توجهی به ابعاد دیگر برای کشور گران تمام می‌شود.

اگر به تمام برنامه‌های توسعه، از ابتدا تا امروز نگاه کنید می‌بینید که بعد سیاسی به تدریج در این متن‌ها کم رنگ شده گویی اراده‌ای وجود داشت تا مشارکت مردم از سیاست حذف شود. به عقیده من امروز بعد سیاسی در برنامه توسعه بی رنگ شده‌است. به همان نسبت که احزاب را که واسطه بین جامعه و حاکمیت هستند حذف کرده‌ایم، به همان نسبت در سایر ابعاد توسعه نیز ناموفق تر از قبل بودیم.

وقتی کلمه توسعه می‌آید یک مفهوم عام دارد و مسائل اجتماعی، حقوق بشر، اقتصادی، فرهنگی و... را در بر می‌گیرد. وقتی احزاب و سازمان‌های سیاسی در برنامه پنجم دولت غایب باشد می‌توان گفت که برنامه از اساس ناقص است. متأسفانه هیچ ردی از احزاب و توسعه

سیاسی یا بار توسعه سیاسی که بر دوش احزاب است در این متن وجود ندارد. من معتقد هستم که غفلت بزرگی شده‌است و امیدوارم این کار تعدمی نباشد. تکرار این موارد منجر شده این ذهنیت برای ما و بسیاری از فعالان سیاسی شکل بگیرد که در کشور اراده یا عمدی وجود دارد که احزاب دیده نشوند.

در نگاهی کلی به متن لایحه تنها می‌بینیم که در فصل اول و در بحث رشد اقتصادی در ماده ۵ به مردمی کردن اقتصاد اشاره شده و یا در فصل ۱۸ در بحث سیاست‌های داخلی و بحث ارتقا سلامت اجتماعی، با رویکرد خیر اجتماعی به لزوم ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد اشاره شده‌است. آیا این میزان از توجه به مشارکت جامعه در برنامه توسعه کشور می‌تواند نشان دهنده عدم تمایل حاکمیت به شفافیت باشد؟

وقتی گفته می‌شود اقتصاد مردمی باشد و خیرین و نهادهای مردمی هم شرکت داشته‌باشند، موضوع ارتباطی با توسعه سیاسی پیدا نمی‌کند. آن‌جا او‌ها کار کرد خاص خود را دارند و اقتصاد مردمی هم در همه دنیا تعریف مشخصی دارد.

توسعه سیاسی به این معنا است که اگر به دنبال توسعه همه جانبه و معطوف به نتیجه مثبت هستیم باید جایگاه سازمان‌ها و احزاب سیاسی در این توسعه دیده شود. برنامه توسعه یک هدفی دارد. حاکمیت تعداد محدودی مدیر و وزیر و وکیل دارد و در مقابل جامعه جمعیتی عظیم است که می‌تواند هر اراده‌ای را محقق کند. احزاب سازمان دهی کنند، جهت ده و برنامه‌ریز این جمعیت و این نیروی مردمی است.

شاخص‌های توسعه سیاسی مشخص است و در این رابطه بحث رسانه‌ها، احزاب و سازمان‌های سیاسی و میزان مشارکت شان در مسائل کشور و تصمیم‌سازی‌ها مطرح است.

وقتی کلمه توسعه می‌آید یک مفهوم عام دارد و مسائل اجتماعی، حقوق بشر، اقتصادی، فرهنگی و... را در بر می‌گیرد.

ما می‌دانیم که حزب تنها بازوی انتخاباتی حاکمیت نیست و می‌دانیم که فعلا فقط همین‌قدر به رسمیت شناخته می‌شویم و در تصمیم‌سازی‌ها جایگاه و نقشی نداریم. ولی احزابی که بتوانند طبق وظیفه ذاتی خود مطالبات مردم را سامان دهند و در یک مسیر درست و آنالیزه شده در راستای توسعه کشور قرار دهند، جای این احزاب در سند توسعه کشور کجاست؟!

بستر آماده سازی این تشکل‌ها زمان بر است. اگر امروز هم مسیر برای احزاب هموار شود زمانی طولانی داریم تا خودمان را در سپهر سیاسی جدید پیدا کنیم. ولی قدم اول هنوز برداشته نشده و حزب و توانایی‌های احزاب به رسمیت شناخته نشده‌است.

دولتمردی که در همه دولت‌ها مقام داشته که جایگاه خود و نقش خود را نقد نمی‌کند! نقد و پیدا کردن راه حل کار احزاب است. اینکه در گذشته کجا بودیم؟ در برنامه ششم به کجا رسیدیم؟ و در برنامه هفتم می‌خواهیم به کجا برسیم؟ مقایسه، نقد و تعریف راهکار کار احزاب است.



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه
برنامه هفتم توسعه

ویژه نامه شماره ۳

ضمیمه نشریه ۶۶

۲۸ تیر ماه سال ۱۴۰۲



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

**ویژه نامه
برنامه هفتم توسعه**

ویژه نامه شماره ۳
ضمیمه نشریه ۶۶
۲۸ تیر ماه سال ۱۴۰۲

به لایحه توسعه برگردیم جدا از خالی بودن جای احزاب چه انتقاداتی می توان به این سند داشت؟

ما یک برنامه ۲۵ ساله داشتیم که آن سند چشم انداز تمام شد که مجمع هم تصویب کرده بود و امروز وقت ارزیابی آن است! آنچه در برنامه ۲۵ ساله نوشته شده بود چه شد؟ آن کار به کجا رسید؟ قبل از بررسی این موارد پرداختن به یک سند جدید درست نیست. چرا عیوب آن برنامه و نواقص و کاستی هایش در اجرا مورد بحث قرار نمی گیرد؟ یک دلیل مشخص این است که در کشور ما توسعه سیاسی غایب است و وقتی توسعه سیاسی غایب باشد برنامه توسعه یک موضوع متفرقه می شود.

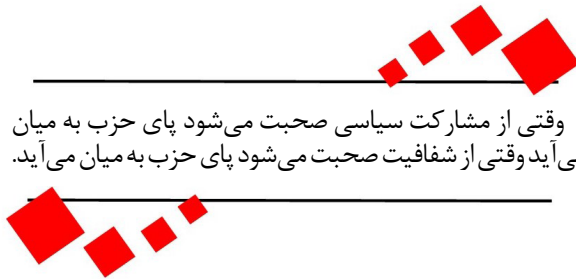
سیاسی که شامل؛ آزادی بیان و بحث مطبوعات و رسانه های آزاد و میزان مشارکت مردم در امور کشور و... می شوند، اهدافی تعریف کرده ایم که معمولاً تمدید پذیر هستند.

این برنامه ها و هدف گذاری ها و مراحل اجرای آن باید شفاف، قابل سنجش و قابل مطالعه باشند که متأسفانه از این لحاظ نواقص زیادی وجود دارد. محورهای برنامه هفتم نشان می دهد که هیچ تصویری از دستاوردها یا خلأهای برنامه های گذشته در نظر تدوین کننده لحاظ نشده است. یک فضای سلیقه ای و غلبه یک نگاه سیاسی در سند برنامه هفتم احساس می شود.

در بین کلام به نبود اراده برای به رسمیت شناخته شدن احزاب اشاره کردید. بر پیشانی این لایحه خورده که لایحه دولت است. چرا دولتمردان که عموماً از گروه ها و احزاب سیاسی برآمده اند، در چنین مواقعی بستر تربیت سیاسی خود را انکار می کنند؟ چرا اراده انکار احزاب در حاکمیت دیده می شود؟

این مساله باید ریشه یابی شود. بحث مهمی است و کلمات هم بار حقوقی دارند. از ابتدای انقلاب در کشور ما در محافل مختلف به طور آشکار و نهان در مورد این موضوع صحبت شده و همواره زور مخالفان چربیده است.

وقتی از مشارکت سیاسی صحبت می شود پای حزب به میان می آید وقتی از شفافیت صحبت می شود پای حزب به میان می آید. کارکرد احزاب آن قدر مهم و ضروری است که با وجود مخالفت ها و ناملایماتی ها هنوز حزب از سپهر سیاسی کشور حذف نشده است. به عقیده من وجود احزاب به شفافیت پاسخ گویی در کشور دامن می زند و مسئولیت پذیری در میان دولتمردان و نمایندگان را بالا می برد. متأسفانه یک دلیل عمده این است که عده ای نمی خواهند در این کشور پاسخگویی وجود داشته باشد. از نظر برخی داشتن پست



وقتی از مشارکت سیاسی صحبت می شود پای حزب به میان می آید وقتی از شفافیت صحبت می شود پای حزب به میان می آید.

از نظر فعالین حزبی، برنامه های توسعه در کشور ایرادهایی دارند. برنامه توسعه را ارزیابی می کنند و می گویند برنامه گذشته در شاخص های توسعه در همه بخش ها به این نقطه و آن نقطه رسیده است و می گویند ما می خواهیم در ۵ سال آینده به فلان هدف برسیم. ولی در عمل این آمارها نمودی بیرونی ندارند و پیشرفت و توسعه در جامعه احساس نمی شوند.

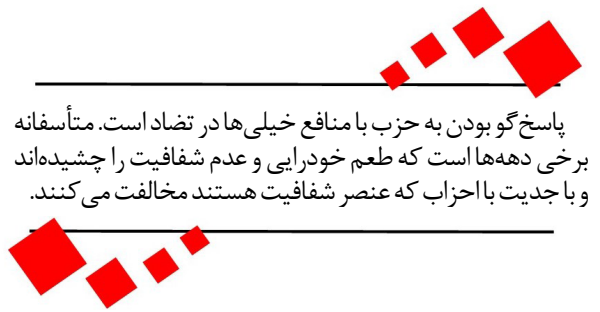
گفته می شود در مسائل صنعتی و در بحث کنترل تورم، در میزان رفاه مردم و بهداشت عمومی و خدمات اجتماعی و مساله توسعه



است و بسیاری از کشورهای وابسته حوزه خلیج فارس این جریان را درک کرده‌اند و با وجود داشتن منابع غنی نفت و گاز به سمت تکنولوژی‌های جدید و انرژی‌های پاک رفته‌اند و در مسیر توسعه همه جانبه و تحولی بنیادین قرار دارند. کشور ما ویژگی جوان بودن جمعیت را به تدریج از دست می‌دهد. اینها همان فرصت‌هایی هستند که در حال از بین رفتن است.

لایحه هفتم توسعه در مجلس و در حال چکش کاری است، به‌عنوان کسی که تجربه حضور در مجلس را داشته و در فعالیت حزبی سابقه‌ای طولانی دارید چه پیشنهادی به نمایندگان مجلس دارید؟
این است که این برنامه به پای مجلس یازدهم نوشته خواهد شد. چه با دقت و چه شتاب زده بررسی اش کنند و چه کار را جدی بگیرند یا نگیرند این برنامه به مجلس آمده و به نام این مجلس تمام می‌شود. متأسفانه دولت آن قدر در بحث‌های حاشیه‌ای وقت می‌گذارد که مجلس خسته می‌شود و فرصت بررسی کردن موضوعات مهم تمام می‌شود. بهتر است که نمایندگان مجلس حوصله کنند و وقت کافی و جدیت لازم را در بررسی برنامه هفتم به کار ببرند و نکات مهمی را که به آینده کشور مربوط است مد نظر قرار بدهند و محکم پای آن‌ها بمانند و اغماض نکنند. از تأثیر نقش خود بر زندگی مردم و آینده کشور غافل نشویم. امروز مجلس وظیفه دارد اشتباهات دولت را اصلاح کند. برنامه هفتم توسعه سر نوشت کشور است در دست نمایندگان مجلس یازدهم. با گردش قلمی سرنوشتی تغییر می‌کند. ما در قبال جایگاهی که داریم مسئولیت داریم و روزی می‌رسد که در این دنیا یا در سرای باقی باید پاسخ‌گوی تصمیمات و عملکردمان باشیم.

و مقام در نظام جمهوری اسلامی ایران، همچون ارث پدری است و خود را در قبال تصمیماتی که می‌گیرند مسئول و پاسخگو نمی‌دانند. پاسخ‌گو بودن به حزب با منافع خیلی‌ها در تضاد است. متأسفانه برخی دهه‌ها است که طعم خودرایی و عدم شفافیت را چشیده‌اند و با جدیت با احزاب که عنصر شفافیت هستند مخالفت می‌کنند. از نظر این طیف وقتی می‌شود کشور را در غیاب احزاب راحت‌تر اداره کردف چرا باید پاسخ‌گویی به ملت را باب کنند! نتیجه این می‌شود که کشور ما خیلی گران اداره می‌شود و هیچ پاسخ‌گویی وجود ندارد.



پاسخ‌گو بودن به حزب با منافع خیلی‌ها در تضاد است. متأسفانه برخی دهه‌ها است که طعم خودرایی و عدم شفافیت را چشیده‌اند و با جدیت با احزاب که عنصر شفافیت هستند مخالفت می‌کنند.

ادامه این قضیه هم به لحاظ مادی به ضرر کشور است که به هدر رفتن منابع منجر می‌شود و هم به هدر رفتن فرصت‌ها انجامیده‌است. چون شرایط توسعه که همیشه وجود ندارد. فرصت‌ها و شرایطی که برای جهش یک کشور در منطقه و بین‌المللی فراهم می‌شوند، همیشگی نیست. شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی در حال تغییر



اصلاح طلبان



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه
برنامه هفتم توسعه

ویژه نامه شماره ۳

ضمیمه نشریه ۶۶

۲۸ تیر ماه سال ۱۴۰۲

نگاهی به فصل ۱۸ برنامه "سیاست داخلی و ارتقا سلامت اجتماعی"

ابرهائی که نمی بارند



افشین فرهانچی
afarhanchi1970@yahoo.com

خواهیم بود. همان طور که در تمام دهه های اخیر شاهد افزایش طلاق، اعتیاد و حاشیه نشینی بوده ایم.

نکته بسیار قابل تأمل در ماده ۸۴ این است که در ۵ مورد برنامه موکول به تدوین برنامه یا آیین نامه دیگری شده است که این زمان کار واقعی را به شدت به تأخیر میاندازد. در برنامه سه تا دوازده ماه زمان پیش بینی شده است تا دستگاه های مختلف دولتی در مورد طرح پایش و کاهش آسیب های اجتماعی، برنامه ملی کاهش حوادث رانندگی، برنامه جامع مبارزه با قاچاق، به روز رسانی اطلس آسیب های اجتماعی کشور و سامانه شناسایی و مبارزه با قاچاق آرزو کالا اظهار نظر نمایند. یعنی عملاً سال اول برنامه - که همین الان نیز دقیقاً معلوم نیست از کی شروع می شود - صرف جلسات، برنامه ریزی، تدوین آیین نامه و جمع آوری آمار می گردد.

ماده ۸۵ برنامه به بحث ساماندهی مهاجرین و اتباع بیگانه می پردازد. جدا از بکار بردن کلمه اتباع بیگانه که بار ارزشی بسیار منفی دارد، در این بند سه پیشنهاد خوب دال بر پوشش بیمه ای، حمایت از مهاجرین نیازمند و صدور کارت هویتی کامل وجود دارد. البته تعدد دستگاه های درگیر در این موضوعات باعث شده است که لایحه پیشنهاد تشکیل سازمان ملی مهاجرت را بدهد. بسیاری از امور مربوط به این ماده نیز به ماه ها و سال های بعد موکول شده است.

در این بخش نیز کماکان ضعف آماری شدیدی وجود دارد که باعث شده است برنامه ریزان بر اساس حدس و گمان طرح ریزی نمایند و ناگزیر از همین الان مشخص است که به بسیاری از اهداف مندرج در این ماده نخواهند رسید. بخشی از منابع اجرا این طرح قرار است از منابع بین المللی تهیه گردید که در مورد وصول آن شک و تردید بسیاری وجود دارد.

این فصل سه ماده ۸۳، ۸۴ و ۸۵ را در بر می گیرد. نگاه اولیه به سنجها و ماده های این فصل مشخص می کند که بحث سیاست داخلی در این فصل بی معنی است و با اغماض فقط می توان بخش دوم عنوان این فصل را پذیرفت.

ماده ۸۳ به سنجهای برنامه در این سرفصل برمیگردد و شامل ۴ سنج است. در سنج اول (شاخص کل سرمایه اجتماعی) بدون توصیف شرایط موجود مدعی شده اند که در پایان برنامه رشدی برابر ۴۶ درصد را شاهد خواهیم بود. در سنج دوم (شاخص آسیب اجتماعی) مدعی رشد ۲۵ درصدی در انتهای برنامه شده اند.

در سنج سوم (میزان از دواج) مدعی رسیدن به عدد ۸/۴ در هزار از دواج در پایان برنامه شده اند. این شاخص در سال ۱۴۰۰ برابر ۵/۲ بوده است و در پایان دولت آقای خاتمی (سال ۱۳۸۴) برابر ۱۱ در هر هزار نفر از جمعیت بوده است. نهایتاً در سنج چهارم مدعی ساماندهی ۳۰۰ محله از سکونت گاه های غیر رسمی در هر سال شده اند.

در همین بدو ورود به فصل متوجه می شویم که سنجهای به کار گرفته شده نشان دهنده شرایط کلی کشور نیستند و علاوه بر آن بسیار غیر دقیق و غیر حرفه ای تنظیم شده اند. و حتی سنج سوم که حالت دقیق و کمی دارد بدون توجه به سنج هم ترازش (میزان طلاق) در نظر گرفته شده است و از طرفی بسیار بلند پروزانه تنظیم شده است و رسیدن به آن با شرایط موجود غیر ممکن است.

ماده ۸۴ آسیب های اجتماعی را در اعتیاد، طلاق، حاشیه نشینی و مفاسد اجتماعی خلاصه کرده است و از ۱۱ طریق تلاش کرده است که آنها را کاهش دهد. نگاهی به این یازده راهکار نشان می دهد که متولیان امر هم درک دقیق از علت بروز این آسیب ها ندارند و هم راهکار درخوری را نتوانسته اند پیشنهاد نمایند و احتمالاً مشابه برنامه های قبلی با شکست سنگینی در این بخش روبه رو



دو هفته نامه غیر برخط اراده ملت

ویژه نامه
برنامه هفتم توسعه

ویژه نامه شماره ۳

ضمیمه نشریه ۶۶

۲۸ تیر ماه سال ۱۴۰۲



توسعه فرهنگ کتاب خوانی مسئله مانیت



مهتاب قصابی

mailto:Mahtabghassabi@gmail.com

ذی صلاح آمده است که اگر این مراکز مجوزهای لازم را داشته باشند، می توانند از حمایت های زیر برخوردار شوند:

۱ احتساب هزینه های انشعاب مصرف آب، برق و گاز براساس تعرفه های فرهنگی (آموزشی)
۲ استفاده از کاربری فرهنگی در فضاهای مسکونی مشروط به عدم تضییع حقوق ساکنان

در چند سال گذشته تلاش های قابل توجهی برای حمایت از صنعت نشر به ویژه در حوزه قانون گذاری انجام شده است. یکی از این قوانین کلان، موضوع اعمال «تعرفه فرهنگی» مصرف آب و برق و گاز، حمل و نقل و پست همچنین «کاربری فرهنگی» یعنی امکان استفاده از اماکن مسکونی برای تأسیس دفتر نشر، کتابفروشی و دفتر مطبوعات را مجاز اعلام کرده است.

برنامه هفتم توسعه در مقایسه با برنامه ششم توسعه توجهی به کتاب و توسعه فرهنگ کتاب خوانی ندارد و در آن بندهای حمایتی به طور ویژه برای اهالی کتاب و کتاب خوانی دیده نمی شود.

دولت در برنامه ششم مکلف بود مراکز دارای مجوز را در بخش هایی چون پست حمایت کند، اما در برنامه هفتم اصلاً کلمه ای از پست ذکر نشده است؛ با توجه به اینکه حجم زیادی از آثار حوزه نشر با پست منتقل می شود. به طور کلی بندهایی که به طور ویژه درباره ناشران، کتابفروشان و توسعه فرهنگ کتاب خوانی در برنامه ششم بود، در برنامه هفتم حذف شده است.

در برنامه هفتم توسعه فصلی به نام ارتقا فرهنگ عمومی و رسانه تدوین شده است. بند «ح» ماده ۷۵ این فصل درباره حمایت از مراکز فرهنگی، هنری، قرآنی، رسانه ای، سینمایی، مطبوعاتی و تبلیغی دینی دارای مجوز از مراجع



دو هفته نامه غیر برخط اراده ملت

ویژه نامه
برنامه هفتم توسعه

ویژه نامه شماره ۳

ضمیمه نشریه ۶۶

۲۸ تیر ماه سال ۱۴۰۲



چند نکته در مورد ارتقا نظام سلامت (موضوع فصل ۱۴ برنامه توسعه)



افشین فرهانچی

afarhanchi1970@yahoo.com

دوراهکار می‌گردد. سایر راهکارهای کلان نظیر نظام ارجاع، تفکیک بخش دولتی با غیر دولتی، پزشک خانواده، سطح بندی خدمات، اصلاح سیستم‌های تعرفه گذاری و... در برنامه جایی ندارند.

۵. تبصره بند ۶۹ ماده ۶۹ که به موضوع ممنوعیت حضور همزمان در بخش دولتی و غیردولتی می‌پردازد هم بسیار مبهم است و هم به آیین نامه‌های بعدی ارجاع شده است.

۶. بحث بهداشت و پیشگیری و مسائل مرتبط با آن جایگاه مشخص و شایسته‌ای در برنامه ندارند و نگاه درمان محور بر برنامه حاکم است.

۷. سهم پرداختی از طرف مردم موقوف به تصمیم گیری های سالانه شده است. در شرایط فعلی که هم بحران اقتصادی وجود دارد و هم امکان نیاز القائی بسیار بالا است، این ابهام می‌تواند مسئله ساز شود. در سال‌های قبل این کاهش پرداخت از طرف مردم منجر به آسیب‌های بسیاری به منابع مادی وزارت بهداشت و درمان گردیده است.

۸. هیچ راهکار مشخصی برای حوزه دارو و تجهیزات پزشکی در برنامه اندیشیده نشده است. نحوه قیمت گذاری دارو در کشور به صورتی است که این صنعت را به مرز ورشکستگی کشانده است. انتظار می‌رفت در برنامه هفتم در این مورد تدبیری اندیشیده شود.

فصل ۱۴ برنامه توسعه هفتم در ۶ ماده به موضوع ارتقا نظام سلامت می‌پردازد. در این باره توجه شما را به چند موضوع جلب می‌نمایم:

۱. سنجه‌های ارزیابی برنامه فقط در سه موضوع پوشش بیمه، تعداد تخت بیمارستانی و تعداد پزشک خلاصه شده‌اند که اصلاً ابعاد گسترده و متنوع نظام سلامت را پوشش نمی‌دهد.

۲. افزایش تعداد مطلق پزشکان در شرایط فعلی ایران، کاری عبث و به شدت هزینه بر است. قاعدتاً برنامه باید بر چهار مشکل اصلی کمبود پزشک (مهاجرت، تغییر حرفه، تمرکز حضور پزشکان در مراکز خاص جمعیتی و پرداختن به امور غیر ضروری پزشکی) متمرکز می‌گردید نه بر تربیت بیشتر پزشکان.

۳. افزایش دانشجویان دوره تخصصی بدون اصلاح نظام ارجاع، کاری بسیار پرهزینه و هدر دادن نیروی انسانی و منابع مادی محدود است. اگر سیستم ارجاع برقرار گردد، نیروی تخصصی پزشکی کشور در بسیاری از حوزه‌ها کفایت می‌کند و برنامه ریزان می‌توانند منابع را صرف تخصص هائی نمایند که در آنها کمبود واقعی وجود دارد.

۴. از ابر راهکارهای مطرح شده برای ارتقا نظام سلامت در ایران، در این برنامه پنج ساله فقط به بحث پرونده الکترونیک و پوشش بیمه‌ای پرداخته شده است. در این زمینه نیز نواقص متعدد و عریانی وجود دارد که مانع از تحقق کامل این



دو هفته نامه غیر برخط اراده ملت

ویژه نامه
برنامه هفتم توسعه

ویژه نامه شماره ۳

ضمیمه نشریه ۶۶

۲۸ تیر ماه سال ۱۴۰۲

